

درس اول

تماشاخانه



جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، سرشار از شگفتی‌ها است. پدیده‌هایی لطیف، زیبا و عجیب، پیش روی ما هستند که به سادگی از کنارشان می‌گذریم؛ در حالی که اگر اندکی درنگ کنیم، می‌بینیم که هر کدام از این پدیده‌ها تماشاگهی برای دیدن زیبایی‌های آفرینش و ایستگاه‌هایی برای اندیشیدن هستند.

حالا اگر می‌خواهیم عالم را بهتر بشناسیم، یک راه ساده آن است که پدیده‌ها را خوب تماشا کنیم، درباره‌ی آفرینش هر یک بیندیشیم و آنها را با یکدیگر مقایسه کنیم. مثلاً کوه‌های سر به فلک کشیده را



بادرّه‌های عمیق، گل را با خار، زنبور عسل را با خرگس، بهار را با زمستان و....
مطالعه در طبیعت و تأمل درباره‌ی چیزهایی که هر روز می‌بینیم و از کنارشان می‌گذریم، راه
مناسبی برای شناخت آنها است. پرسش از هر چیز و جست‌وجو برای یافتن پاسخ، کاری
است که همی دانشمندان و عالمان انجام می‌دهند. من و شما هم، باید این ویژگی را در خود
پرورش دهیم.

ما برخی از رفتارها، کردارها و کارهای خودمان را از روی عادت انجام می‌دهیم؛ به
همین دلیل هم از خود نمی‌پرسیم که چرا این‌گونه است، چرا باید این کارها را بکنیم؟ و بسیار
پرسش‌های دیگر.

همین آب گوارایی که زندگی ما به آن وابسته است، بهترین موضوع برای فکر کردن و
یکی از شگفتی‌ها است.

آب چیست؟ چگونه به وجود آمده است؟ اگر روزی آب در روی زمین نباشد، آیا

انسان می‌تواند آن را پدید آورد؟

به هر حال، عالم تماشاخانه‌ی شگفتی‌های آفرینش است؛ یعنی به هر طرف که نگاه می‌کنیم،
27 آفریده‌های زیبای خداوند را می‌بینیم. این جهان، دفتری است که خدای مهربان، به پاکی و
زیبایی در آن نگاشته و می‌نگارد.

یکی دیگر از این آفریده‌های زیبا و لطیف، گیاهان و سبزه‌ها هستند. علف‌های سبز را
 دیده‌اید؟ خیلی نرم و شکننده هستند. در سرمای سخت یا گرمای زیاد، پژمرده می‌شوند ولی گاهی
 می‌بینیم همین علف‌های نازک و لطیف، از میان سنگلاخ سرد در می‌آورند یا کف زمین سخت
 و محکم را می‌شکافند و بیرون می‌آیند.

در نوشته‌ی زیر، یکی از نویسندگان، زیبایی‌های آفرینش خدای مهربان را، این‌گونه
توصیف می‌کند:

«هیس، گوش بده! به آفریده‌های ساکت خدا گوش بده.»

به پروانه‌ای با بال‌هایی مخملی. به قطره‌های باران که حلقه‌های ساکت روی آب را
می‌سازند، گوش کن.

آیا می‌توانی صدای حشره‌هایی را که در زیر زمین می‌جنبند، بشنوی؟ صدای ماهی‌های
تالاب را چگونه؟

آن بالا را نگاه کن! آسمان، آبی آبی است و یک تکه ابر ساکت در آن شنا می‌کند.
این پایین را ببین! علف‌ها و برگ‌ها در نسیم، فقط تکان می‌خورند.

نگاه کن... و به صداهاى کوتاه و بلند، گوش بده، تا آفریده‌هاى ساکت خدا را بشناسی.
 بادها سفر مى‌کنند. علف‌ها رشد مى‌کنند. **عنكبوت‌ها**، بین زمین و آسمان، **تار مى‌تند**.
 آیا تو صدای تاریکی شب را مى‌شنوی؟ صدای روشنایی روز را چگونه؟ صدای شب‌نم
صبحگاهی را، هنگامی که سرزده به خانه‌ی برگ، وارد مى‌شود؟
 به هر طرف نگاه کن... و گوش بده.
 آفریده‌هاى ساکت خدا همیشه آنجا هستند.
 آیا تو آنها را مى‌بینی و **صدایشان** را مى‌شنوی؟»

آفریده‌هاى ساکت خدا،

نانسی سویتلند، ترجمه‌ی حسین سیدی، با اندکی کاهش و تغییر

درست و نادرست

- ۱ دیدن شگفتی‌هاى عالم و تأمل درباره‌ی آنها راه مناسبی برای شناخت است. ✓
- ۲ سبزه‌ها و علف‌ها به اندازه‌ای نرم و شکننده هستند که نمی‌توانند از میان سنگلاخ سر در بیاورند. ✗
- ۳ تاریکی شب، روشنایی روز و شب‌نم صبحگاهی همه از آفریده‌هاى ساکت خدا هستند. ✓





۱ یکی از راه‌های شناخت عالم را بیان کنید. ص ۱۰

۲ چرا عالم «تماشاخانه‌ی شگفتی‌های آفرینش» است؟ ص ۱۲

۳ چرا هر کدام از پدیده‌ها، «ایستگاهی برای اندیشیدن» هستند؟ زیرا هر کدام از این پدیده‌ها

۴ «این جهان دفتری است که خدای مهربان به پاکی و زیبایی در آن نگاهت و می‌نگارد.»

چرا نویسنده، پس از بیان واژه‌ی «نگاشته» از «می‌نگارد» نیز استفاده کرده است؟

۵ ...
است و تمام نمیشود

واژه‌آموزی



به واژه‌های زیر و رابطه‌های آنها با یکدیگر، توجه کنید.



با دقت به خوب و بد حرف‌های دوستم، گوش می‌کردم.

ما می‌توانیم گل را با خار مقایسه کنیم.

سجاقک، بالا و پایین می‌پرید.

از معنی واژه‌ها، می‌فهمیم که این کلمات، مفهوم مخالف هم یا ضد هم را بیان می‌کنند. این گونه

واژه‌ها را «مخالف یا متضاد» می‌نامیم.

اکنون با توجه به آموخته‌های بالا، نمونه‌های زیر را کامل کنید.

